

یکی از موضوعات مهمی که در معارف دینی ما بیان می‌شود، حقیقت بندگی است. انسان به اندازه‌ای که بتواند در مسیر بندگی خداوند حرکت کند، به عزت و جلالت می‌رسد و جلوه خداوندی در او پیدامی‌شود.امام صادق^(ع) می‌فرماید: **اَلْعُبُودِيَّةُ جَوْهَرٌ كُنْهٌ هَا الرَّبُّوِيَّةُ فَمَا فَقَدَ مِنْ الْعُبُودِيَّةِ وَجَدَ فِي الرَّبُّوِيَّةِ وَ مَا خَفِيَ عَنْ الرَّبُّوِيَّةِ اَصِيبَ فِي الْعُبُودِيَّةِ**.بندگی، جوهری است که کنه آن ربوبیت است؛ هرکه در بندگی فقدان یابد، در ربوبیت بروز می‌یابد و یافته می‌شود و آنچه در ربوبیت پنهان می‌شود، در عبودیت و بندگی به ظهور می‌آید.

این روایت می‌خواهد عظمت بندگی خدا را بیان کند، اینکه انسان برای رسیدن به مقام بندگی که مقام خداگون شدن و رنگ خداوندی‌گرفتن است، باید اراده خود را در اراده الهی محو کند و با نفی خود به خدا برسد.

تمام انبیا و اولیای الهی که عبودیت به‌اختیار در درگاه خداوند متعال داشتند، خدا را خواستند و عبد خدا شدند. بالاترین مقامی‌که اولیا و انبیا داشته‌اند، بندگی خداست. شمارد تشهد نماز می‌گویید:«أشهد أنَّ محمَّدا عبده و رسوله» یعنی اول می‌گویید شهادت می‌دهم که پیامبر^(ص) عبد خداست و پس از آن می‌گویید ایشان رسول خداست؛ شما درواقع عبد بودن و عبودیت را بر رسالت مقدم می‌دانید؛ زیرا تمام امتیاز و عظمت پیامبر^(ص) بر عبد بودن ایشان و نه مقام رسالتشان است. این همان مقامی است که در شب معراج، پیامبر^(ص) تا آنجا در مقام قرب خداوند اوج گرفتند که جبرئیل گفت من نمی‌توانم بیشتر از این با شما همراهی کنم، اما در مقام رسالت، جبرئیل واسطه بین خداوند و پیامبر اکرم^(ص) بود. لذا مقام عبودیت از رسالت بالاتر است. برای بندگی، انسان باید خواهش‌های نفسانی را کنار بگذارد و پیوسته به دنبال تحقق خواست و رضایت الهی باشد. انسان به هر میزانی که خدا را بخواهد، به همان اندازه بنده خدا می‌شود، پس با چه کیفیتی من خدا را بخواهم که عبد خدا شوم؟ باید دقت داشته باشید که خداخواهی نیازمند خدابینی است؛ من باید خدا را ببینم تا خدا را بخواهم.

دیدن، مقدمه خواستن است. اما تمام نکته اینجاست که چطور می‌توانیم با چشم دل خدا را ببینیم؟ انسان وقتی می‌تواند با چشم دل خدا را ببیند که درحقیقت با چشم دل، غیرخدا را نبیند. در روایتی وجود مقدس پیامبر^(ص) می‌فرماید: «وقتی بنا شد آنچه در زندگی به بنده غالب شود، مشعوف شدن به من خدا باشد، لذت او را در یاد خودم قرار می‌دهم. وقتی بنا شد که بنده لذتش یاد من باشد، دیگر از هیچ چیزی غیر از من لذت نمی‌برد و عاشق من می‌شود و من عاشق او می‌شوم و در نهایت پرده‌ای بین من و بنده‌ام نیست. این حالت چنان بر او غلبه پیدا می‌کند که آن زمانی که مردم از یاد خدا فراموش می‌کنند، او فراموش نمی‌کند». اگر بخواهیم مصداقی برای این روایت بیان کنیم، باید گفت روز بیستم ماه شوال، سالروز تبعید موسی بن جعفر^(ع) از مدینه به بغداد و بصره است؛ اگر ما بخواهیم از این روایت پیامبر^(ص) یک نماد و تابلو انتخاب کنیم، آن نماد امام هفتم^(ع) است؛ ایشان در زندان، تمام وقت خود را به عبادت مشغول کرده بودند. امام خمینی^(ره) در کتاب آداب الصلوه در بیان مراحل خدابرستی می‌فرمایند: «مرحله اول، خدابینی است». همان‌طور که بیان شد، انسان باید با چشم دل خدا را ببیند و مرحله بعد از خدابینی، خدابستگی است و پس از آن، خداخواهی و بعد از آن، خدابرستی است و ایشان می‌فرمایند: «متکفل تمام این سیر، عبادت بزرگی به نام نماز است». از خداوند بزرگ می‌خواهیم که همه ما را مشمول عبادت و بندگی قرار بدهد و زندگی‌مان را پر از جلوه‌های خداوندی کند، ان شاء...»

برگرفته از خطبه‌های نمازجمعه مشهد
تنظیم: حجت‌الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

اشارت

مردم از دست و زبان مؤمن در امان اند

طیبه اشرفی^(۱) از رفتارهای بدی که آموزه‌های قرآن و اهل بیت^(ع) درباره پرهیز از آن و اثرات منفی و مخربش توصیه می‌کنند و تذکر می‌دهند، آزار دادن دیگران است؛ عملی که در حکم جنگ با خدا از آن یاد می‌شود.

پیامبر خدا^(ص) درباره زشتی آزار دیگران می‌فرماید: «خوارترین مردم، کسی است که مردمان را خرد و خوار شمارد».

(الأمالی للمصداق، ۴۱/۷۳)

امام صادق^(ع) نیز در این باره فرموده‌اند: «به خدا سوگند که نیکان رستگارانند. آیا می‌دانید آن‌ها چه کسانی هستند؟ کسانی که آزارشان به مورچه‌ای نمی‌رسد». (تفسیرالقمی، ۲/۱۴۶)

و از حضرت موسی بن جعفر^(ع) است که فرمودند: «دغلکاری و آزار، از اخلاق مؤمنان نیست».

(الکافی، ۸/۱۲۶/۹۵)

پیامبر خد^(ص) همچنین درباره تعبیر فرهنگ دینی از آزار دیگران می‌فرماید: «خداوند تبارک و تعالی فرموده است، هرکه به یکی از دوستان من تحقیر و توهین روا دارد، برای جنگ با من آماده شده است».

(الکافی، ۲/۳۵۱/۲)

و نیز از رسول خدا^(ص) است که می‌فرماید: «هرکه مؤمنی را اندوهناک سازد و سپس دنیا را به او بدهد، گناهش بخشوده نمی‌شود و در برابر آن پاداشی نمی‌بیند».

(بهارالأنوار، ۷۵/۱۳/۱۲)

امام صادق^(ع) نیز درباره زشتی و مذمت آزار دیگران در فرهنگ دینی می‌فرماید: «خداوند عزوجل فرموده است هرکه بنده مؤمن را مریا زارد، به من اعلان جنگ می‌دهد».

(الکافی، ۲/۱۳۵/۲)

و نیز از حضرت رسول^(ص) است که در توصیه به آزار ندادن دیگران فرمودند: «به مردم آزار نرسان، که بی‌آزاری صدقه‌ای است که برای خودت می‌پردازی». (بهارالأنوار، ۷۵/۱۹/۵۴)

امام زین العابدین^(ع) هم درباره پرهیز از آزار و اذیت دیگران می‌فرماید: «آزار نرساندن، نشانه کمال خرد است و مایه آسایش تن در دنیا و آخرت». (تحف العقول، ۲۸۳)

و از امام صادق^(ع) است که فرمودند: «در روز قیامت، نداننده‌ای نداد دردهد، کجا باید آزار دهندگان دوستان من؟ پس گروهی برخیزند که صورتشان گوشت ندارد و گفته می‌شود: اینان کسانی هستند که مؤمنان را آزار دادند و با آنان دشمنی و مخالفت کردند و در دینشان، برایشان سخت گرفتند. سپس به درافکنندگان در جهنم فرمان داده می‌شود».

(الکافی، ۲/۲۵۱/۲)

پیامبر خد^(ص) درباره آثار منفی و عواقب دنیوی و اخروی آزار دیگران می‌فرماید: «هرکه در دیدار برادر دینی‌اش، کاری کند تا او ناراحت شود، خداوند هم در روز دیدارش، او را ناراحت می‌کند».

(توابعالأعمال، ۱/۱۸۲)

فرزندت را با کلام خدا واکسینه کن

حمیده ذاکری^(۱) آن‌ها که طعم داشتن فرزند را چشیده‌اند، می‌دانند که والدین برای رشد و نیکو تربیت شدن فرزندانشان از هیچ کاری دریغ نمی‌کنند و نه تنها هرچه در توان دارند انجام می‌دهند، بلکه

همیشه به دنبال راهنما و یآوری هستند که در این مسیر به آن‌ها کمک کند. سیره ائمه اطهار^(ع) و آموزه‌های آن‌ها یکی از بهترین راهنماها در این مسیر است؛ راهنماهایی که در خلاصه‌ترین شکل، بهترین نسخه‌ها را برای طی بهتر مسیر رشد و تربیت فرزند ارائه کرده‌اند؛ نسخه‌ای که از حقوق فرزندان بر والدین سخن می‌گوید، حقی که اگر ادا شود، مسیر تربیت شکل می‌گیرد و به درستی پیش خواهد رفت، چراکه این حق درکنار نام نیکو و نان حلال، از آموزش کتاب آسمانی سخن می‌گوید؛ از پیوند فرزند با قرآن که بهترین نسخه سعادت است. در ادامه، رهنمودهای اهل بیت^(ع) را درباره آموزش قرآن به فرزندان مرور می‌کنیم.

گزارش

آموزشی که نجات‌بخش است

به خاطر داشته باشیم که این آموزش، تنها یادگیری یک زبان یا تسلط بر یک اثر ارزشمند نیست. هرچند آموزش روخوانی و صوت و لحن و علاقه‌مندی به تلاوت خوش قرآن، ارزشمند و نیکوست اما شایسته است که ما به عنوان والد، هدف اصلی از این آموزش را انس با کلام الهی و پیوند با آموزه‌های حقیقی دین بدانیم و این امر مهم را در اولویت قرار دهیم. درحقیقت ما با آموزش کلام خدا و امر اهل بیت^(ع)، دل و جان فرزند خود را از انحراف دور می‌کنیم؛ آن چنان‌که امام صادق^(ع) می‌فرماید: «به فرزندان خود هرچه زودتر حدیث بیاموزید، قبل از آنکه مخالفان بر شما سبقت گیرند و دل‌های کودکان شما را با سخنان نادرست خویش، اشغال کنند».

(وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۴۷).

تلاشی که پاداش بسیار دارد

مسلم است که هر آموزشی بدون رنج و زحمت نیست اما خوب است بدانیم که تلاش ما در راه آموزش کتاب خدا به فرزندانمان، در نظر خداوند بسیار باارزش است و اجر و ثواب شایسته دارد. امام حسن عسکری^(ع) فرمودند: خداوند به پدر و مادر پاداش فراوانی را عنایت می‌کند. آنان با شگفتی سؤال می‌کنند: پروردگار! این همه تفضل درباره ما در قبال چیست؟ اعمال ما شایسته چنین پاداشی نبوده است. در جواب آن‌ها گفته می‌شود: این همه عنایت و نعمت، پاداش شماست که به فرزند خود کتاب خدا، قرآن، را آموختید و او را در آیین اسلام، بصیر و بینا تربیت کردید. (تفسیر امام حسن عسکری^(ع)، ص ۴۵۰).

روشنا

ریشه صبر، یقین و باور نیکو به خداوند است.

تصنیف غرالحکم، صفحه ۲۸، حدیث ۶۲۳۵

امام علی^(ع)

أصل الصبر حُسْنُ اليقين بالله

۴۰ روز با خدا

قصص قرآنی، موسی^(ع)، ۱۴

خدا رسالت موسی را به او یادآوری کرد و گفت: «من تو را با رسالت و حرف زدنم با تو انتخاب کردم. این‌ها را که به تو دادم، بردار و پیش مردم برو!».

«قَالَ يَا مُوسَى إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَاتِي وَبِكَلَامِي فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ» (اعراف، ۱۱۴).

به موسی لوح‌هایی داده شد؛ لوحی پراز اندرز که از هر چیزی سخن گفته شده بود تا مردم خوب و بد را یاد بگیرند و به بهترین شکل عمل کنند:

«وَكُنْتُمْ لَهُ فِي الْأَنْوَابِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً وَتَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَأْمُرْ قَوْمَكَ يَأْخُذُوا بِأَخْسِنِهَا سَائِرَكُمْ دَارِ الْفَاسِقِينَ» (اعراف، ۱۴۵).

موسی^(ع) باید میان قومش برمی‌گشت، اما...

کوه بنگر! اگر در جای خود ثابت ماند، مرا خواهی دید». اما هنگامی که پروردگار بر کوه جلوه کرد، آن‌را همسان زمین قرار داد و موسی بی‌هوش به زمین افتاد. وقتی به هوش آمد، عرض کرد: «خداوند! منزه‌ی توازا اینکه دیده شوی، من به سوی تو بازگشتم و من نخستین مؤمنانم»؛

«وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ نَرَاكَ اِنْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى ضِعَفًا فَلَمَّا افَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ ثَبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ» (اعراف، ۱۴۳).

احکام

آیت۱...العظمی خامنه‌ای

اگر امکان استفاده از آن در حمام نیست، می‌توانند در امور عام‌المنفعه از آن استفاده کنند؛ البته مشروط بر اینکه اهالی محل، نیازشان به این طرح‌ها منتفی شده باشد.

آیت۲...العظمی سیستانی

زمین حمام و زمین‌های موقوفه بر آن در مواردی که به هدف واقف نزدیک‌تر است، باید مورد استفاده واقع شود.

آیت۳...العظمی مکارم‌شیرازی

چنانچه در حال و آینده نیازی به استفاده از آن مکان مطابق نیت واقف نباشد، می‌توان برای سایر کارهای عام‌المنفعه از آن استفاده کرد و در صورتی‌که امکان استفاده از آن مکان نباشد، می‌توانند آن را فروخته، مکان دیگری خریده و از آن برای کارهای عام‌المنفعه استفاده کنند. باید درآمد مذکور خرج ساختن حمام برای افراد بی‌بضاعت یا پرداخت آب‌بهای حمام آن‌ها شود.

آیت۴...العظمی صافی گلپایگانی

چنانچه تجدیدبنای حمام ممکن باشد، باید انجام شود؛ والا متولی شرعی می‌تواند زمین آن را اجاره دهد و از درآمد آن برای حمام فقرا هزینه کند و اگر این جهت هم نمی‌شود، صرف امور خیر کنند.

آیت۵...العظمی شبیری‌زنجانی

محل حمام باید در مورد دیگری که به نظر واقف نزدیک‌تر است، استفاده شود و درآمد زمین‌های مذکور هم در استفاده جدید هزینه شود.